

آفتاب
رومی خط آفتاب
۸۸۳۱۸۵۵۶-۸۸۳۱۸۵۵۵
پیام کوتاه: ۳۰۰۰۱۴۱۴۲۷

تلگرام: ۹۱۲۸۱۹۷۷۸۲

موتورآزاری! برخی جایگاه‌های عرضه سوخت با اینکه با ازدحام موتورسیکلت‌سواران برای سوخت‌گیری مواجه‌اند، متأسفانه فقط یک نازل برای موتورداران در نظر گرفته شده است. به عنوان نمونه تصاویری که ملاحظه می‌فرمایید مربوط به جایگاه شرکتی شماره ۱۴۱ واقع در تهران، خیابان مجاهدین اسلام، ابتدای بن بست گلها و مقابل بیمارستان شفا حیاتیان است. صف طولانی موتورسواران در پمپ بنزین، سه شنبه ۱۸ اردیبهشت، ساعت ۸ شب است. از مسئولان شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی تقاضای رسیدگی به این موضوع و رفع مشکل را داریم.



استمداد از مردم و مسئولان

تصویری که ملاحظه می‌کنید مربوط به خانه‌ای قدیمی در شهر گرگان، خیابان شهیدا، لاله ششم، بن بست یکم میخچه گرگان، پلاک ۳۶ است. دیواری کاهگلی که صاحبخانه خانمی سالمند و زیرمجموعه کم‌تعمیر آماد است و برای تعمیر دیوار که بین ۷ تا ۱۰ میلیون هزینه دارد، به علت اینکه درآمدی به غیر از مستمری کمیته امداد و یارانه ندارد، قادر به تأمین هزینه دیوار خانه اش نیست و هر لحظه احتمال ریزش دیوار و مشکلات فراوان وجود دارد. به علت اینکه کنتورهای گاز و برق هم بر روی دیوار مربوط نصب شده اند، ضرورت دارد برای پیشگیری از حوادث ناگوار احتمالی مسئولان و خیران نودوسست آستین همت بالا بزنند و کار درخور توجهی انجام دهند. به راستی کجاست عطفوت، مهربانی و همیاری؟



اینجا فیروزکوه ورودی به روستای امیریه از جاده اصلی فیروزکوه وضعیت خیلی خرابی داره و به علت تردد زیاد کامیون‌های شهرک صنعتی همیشه با این مشکل روبه رو هستیم و چون از جاده اصلی باید وارد این بلوار بشیم خیلی خطرناک است.



آفتاب
یادداشت
ندای کاتب
پاسخگوندارد!

علی اکبر فرقانی

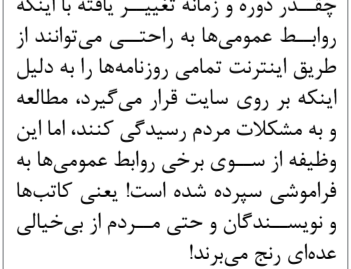


شمار روزنامه‌های گرانسنگ، ذقیمت و گرانقیمت این روزها افزایش یافته، به طوری که چیدمان آنها در دک‌های روزنامه‌فروشی به علت ازدیاد روزنامه‌ها، برخی‌ها که تیراژ کمتری دارند، از دید مردم پنهان بمانند. افزایش بی‌رویه قیمت کاغذ هم باعث شده علی‌رغم میل باطنی صاحبان امتیاز و مدیران مسئول روزنامه‌ها، آن را گران کنند و این مسئله هم موجب شده که شمار خوانندگان نسبت به سابق، کمتر شود. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید برای پیشگیری از هرگونه آسیب‌رسانی به اصحاب مطبوعات هر چه زودتر آستین همت بالا بزنند و با واگذاری کاغذهای یارانه‌ای، نورامید را در دل‌های تلاشگران عرصه علم، دانش، خبر و اطلاع‌رسانی فرهنگی اقدام‌های مفیدی انجام دهد.

نویسندگان مطبوعات به‌ویژه خبرنگاران و گزارشگرانی که مشکلات مبتلا به جامعه را که برگرفته از زیرپوست شهر تهیه و به چاپ می‌رسانند، کسانی هستند که ندای مردم را از طریق مطبوعات‌شان به گوش مسئولان در اقصی نقاط شهرها می‌رسانند و نباید تلاش‌های آنان نادیده گرفته شود. امروز برای رفع بسیاری از مشکلات کشور باید از طریق اطلاع‌رسانی و فرهنگی که

بازخور بیشتری هم دارد، اقدام شود. به‌خوبی به‌یاد دارم قبل از اینکه این همه روزنامه‌های رنگ و با رنگ و گران در پیشخوان دک‌های روزنامه‌فروشی وجود داشته باشد، برخی خبرنگاران روزنامه‌ها به محض اینکه با فلان رئیس یا فلان مدیر و بهمان مسئول درباره مسائل، مشکلات و موضوع‌های مهم سیاسی، اجتماعی و حتی راهنمایی و رانندگی، نیروی انتظامی، شهرداری‌ها و بسیاری مکان‌های دیگر تماس می‌گرفتند، به سرعت رسیدگی می‌شد مبادا رسانه‌ای شود، چنانچه موضوعی در مطبوعات درز پیدا می‌کرد و چاپ می‌شد، روابط عمومی‌ها دست و پاچه می‌شدند و به تکاپو می‌افتادند تا بتوانند هرچه سریع‌تر قبل از اینکه از حساسیت ایجاد کند یا از سوی مقامات بالادست مورد مؤاخذه قرار گیرند، سعی می‌کردند هر چه می‌توانند زودتر غائله را ختم به خیر کنند. اما با پیشرفت علم و فناوری و زندگی ماشینی و برقراری ارتباطات بیشتر کلامی، گفتاری، نوشتاری، تصویری و غیره، بعضی از مسئولان روابط عمومی‌ها در خواب غفلت به سر می‌برند، به علت اینکه هیچ‌کسی از آنان درباره مسائل و مشکلات شهری و اجتماعی بازخواست نمی‌کند تا پاسخگوی مردم یا مطبوعات باشند.

به عنوان نمونه روزهای گذشته برای رسیدگی به موضوعی با برخی روابط عمومی‌های مراکز دولتی تماس گرفتم، البته با گذر از هفت‌خوان چون وقتی با مراکز دولتی تماس گرفته شود، باید تلقین طولانی به صدای ضبط شده منشی تلفنی گوش فرا دهید و برای برقراری ارتباط با فلان متصدی فلان شماره را شماره‌گیری کنید، این کار هم انجام می‌دهیم باز شماره دیگری را می‌گویید گرفته و...! جالب اینجاست که برخی‌ها که جواب تلفن را می‌دادند، مشتاق بودند بدانند علت تماس و پیگیری‌ام چیست، وقتی متوجه می‌شدند، به همکاران دیگرشان پاس می‌دادند و دست آخر یکی از کارکنان روابط‌عمومی صادقانه گفت که به علت گرانی روزنامه‌ها، مانند سابق به روابط‌عمومی‌ها روزنامه نمی‌دهند تا تمامی مطالب توسط مسئولان واحد رسانه‌ای، رصد و مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد؛ در حالی که قبلاً شماری از کارکنان روابط عمومی‌ها، روزنامه‌ها را مطالعه می‌کردند و پاسخگو بودند. اما حالا سرپرستان برخی ادارات دولتی اگر دلشان خواست مطالب روزنامه‌ها را تسورق می‌کنند و به دواپر مربوط ارجاع می‌دهند، این هم بستگی به سلیقه و حوصله آنان بستگی دارد. چقدر دوره و زمانه تغییر یافته با اینکه روابط عمومی‌ها به راحتی می‌توانند از طریق اینترنت تمامی روزنامه‌ها را به دلیل اینکه بر روی سایت قرار می‌گیرد، مطالعه و به مشکلات مردم رسیدگی کنند، اما این وظیفه از نسوی برخی روابط عمومی‌ها به فراموشی سپرده شده است! یعنی کاتب‌ها نویسندگان و حتی مردم از بی‌خیالی عده‌ای رنج می‌برند!



آفتاب یزد - سمیرا نسوری: دوران تحصیل از آن دوره‌های خوش زندگی است. حتی شب‌های امتحانش نیز خاطرات شیرینی را در ذهن حک می‌کند. اما کسی که تحصیل را انتخاب می‌کند، باید هزینه‌های دیگری را پرداخت کند. تحصیل را به بهای بازماندن از ورود به بازار کار ادامه می‌دهد. این امر به ویژه در دوره‌ی دکتری دانشجویان را با مشکلات مالی بسیاری مواجه می‌کند. دانشجویان دوره‌ی دکتری از نظر سنی نسبت به دانشجویان دیگر مقاطع بزرگتر هستند و به تبع نیاز بیشتری به شغل و درآمد دارند. بسیاری از این دانشجویان تشکیل زندگی داده‌اند، و ناچارند در کنار تحصیل تا دیر وقت کار کنند. اما مگر نه این که دانشجوی دکتری باید ساعات زیادی را صرف مطالعه و پژوهش کند؟ حال در کنار ساعات زیاد کاری روزانه چگونه ممکن است این مطالعه و پژوهش اتفاق بیفتد؟ یا اگر اتفاق بیفتد آیا با کیفیت بالا اتفاق می‌افتد؟ پس دانشجویان چاره‌ای ندارند جز این که درس را به حاشیه‌ی زندگی برانند و سخت کار کنند یا این که از کار و درآمد صرف نظر کنند و به دنبال ارتقای علمی باشند. همانگونه که گفته شد این ارتقای علمی بدون هزینه نیست. دانشجو باید برای ارتقای علمی‌اش که بی‌شک به ارتقای علمی جامعه می‌انجامد، هزینه‌ی فرصت کند؛ فرصت از دست دادن چیزی با ارزش به نام پول.

سه‌م دانشجویان تنها یک وام ۷۰۰ هزار تومانی

در ایران تنها به بعضی از رشته‌ها مانند پزشکی که بخشی از دوره‌ی تحصیل را به عنوان کارآموز در ادارات می‌گذرانند و همچنین در بعضی از مراکز آموزشی نظیر پژوهشگاه‌ها حقوق ماهیانه تعلق می‌گیرد، در اغلب رشته‌های علوم انسانی که نیاز به مطالعه‌ی بالا دارند و در دانشگاه‌های دولتی ارائه نمی‌شوند در کنار تحصیل، درآمدی برای دانشجویان در نظر گرفته نشده است. تنها پولی که به تمامی دانشجویان دکتری به طور برابر تعلق می‌گیرد یک وام ۷۰۰ هزار تومانی ماهیانه است.

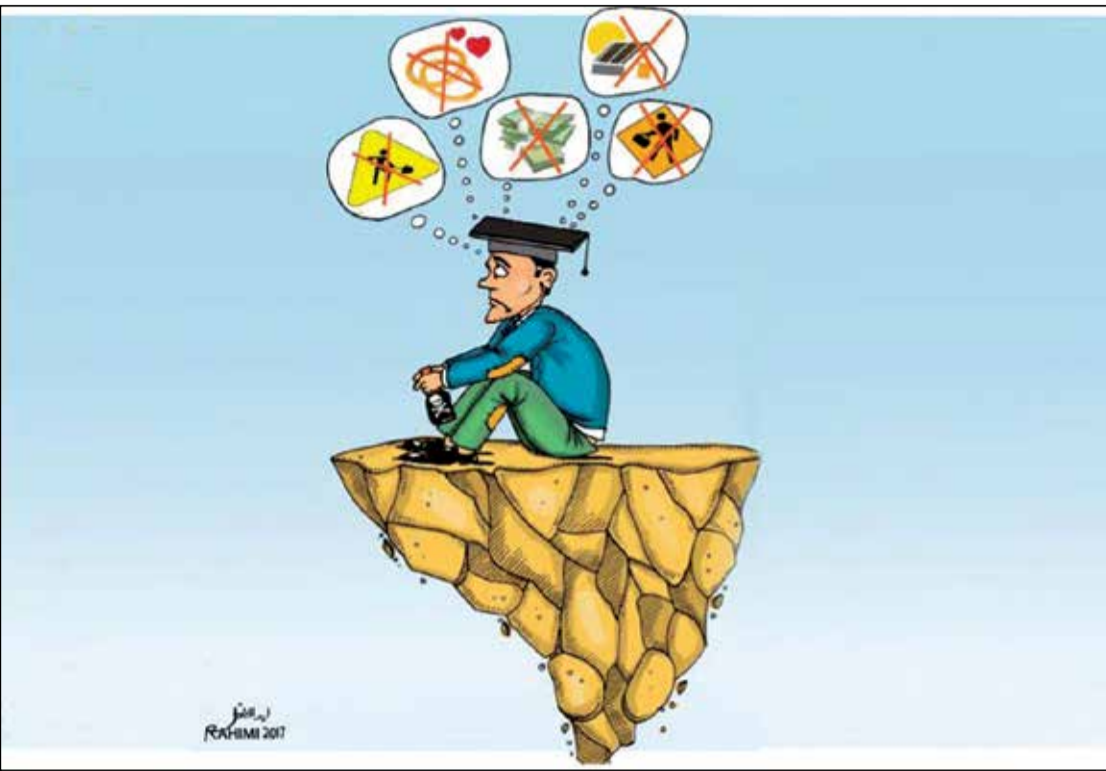
ذوالفقار یزدان‌مهر رئیس صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم، در اردیبهشت ۹۶ در این خصوص گفت: «مبلغ وام برای کلیه دانشجویان ماهیانه حدود هفت میلیون ریال است که پرداخت آن به صورت هر سه ماه یک بار به مبلغ ۲۱ میلیون ریال صورت می‌گیرد. وام مذکور به کلیه دانشجویان واجد شرایط از نیمیسال اول تحصیل در پایان تحصیل در سنوات مجاز (هشت نیمسال) پرداخت می‌شود به طوری که کارمزد وام مذکور چهار درصد است. همچنین دانشجویان وام مذکور دریافت این وام باید هر شش ماه تقاضای وام و مدارک مستندات آموزشی خود را به ادارات رفاه دانشگاه محل تحصیل تحویل نمایند.» شاید کارمزد چهار درصدی مبلغ اعجاب‌ناپذیری به نظر آید ولی پرداخت آن برای دانشجویی که تازه فارغ‌التحصیل و وارد بازار کار شده، چندان بی‌دغدغه نخواهد بود.

تبعیض بین دانشجویان رفح خود

مهرداد صادقیان ندوشن عضو صنف مجازی دانشجویان دکتری وزارت علوم در این خصوص به آفتاب یزد می‌گوید: «بین دانشجویان وزارت علوم و دانشجویان وزارت بهداشت، تبعیض زیادی است. البته این تبعیض در بخش‌های دیگر نیز اعمال می‌شود؛ اساتید، پرداختی‌ها وام‌گانات رفاهی. تبعیض ناروایی بین دانشجویان این دو وزارت‌خانه حاکم است. در بیشتر کشورهای دنیا دکتری شغل است. شما وقتی وارد دانشگاه می‌شوید وزارت علوم از شما تعهد کار تمام وقت می‌گیرد؛ یعنی باید حضور کامل در دانشگاه به همراه کار و پژوهش داشته باشید، مخصوصاً رشته‌های آزمایشگاهی مثل فیزیک و شیمی. هر دانشجو باید در ماه باید ۱۲۰ ساعت حضور را پر کنند. دانشجویان دکتری در سن خاصی هستند و در اکثر دنیا در حین تحصیل فاند می‌دهند. دانشجوی دکتری وزارت علوم هیچ دریافتی ندارند. اما دانشجویان وزارت بهداشت سال اول ماهانه یک میلیون و دویست تومان و سال چهارم دو تومان دریافت می‌کنند. هیچ ۸۰ درصد رشته‌های دکتری تخصصی بی‌بض ارتباطی با بیمارستان ندارند و کارشان نظری است. همین رشته‌های نظری در وزارت بهداشت حقوق می‌گیرند. ولی به رشته‌های مشابه آن در وزارت علوم چیزی تعلق نمی‌گیرد. اکثر رشته‌های

گزارش آفتاب یزد از مشکلات اقتصادی دانشجویان دکتری و بی‌توجهی مسئولان به آنان

دانشجو کالانیست



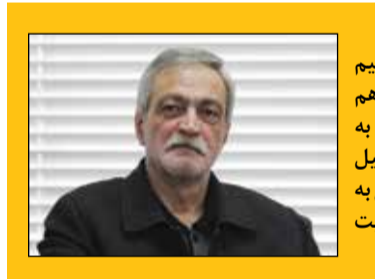
طرح: نیخشفا - ایوب النفل رحیمی

سرمایه‌ی انسانی که بازگشت دارد. دانشجو در عرض چند ماه به اندازه‌ی تمام سال‌هایی که به او حقوق تعلق گرفته است، درآمد کسب می‌کند. در بیشتر کشورهای جهان این کار را انجام می‌دهند. به خاطر ایسن که در فردای جامعه به فارغ‌التحصیلان نیاز دارند. ولی در ایران به دلیل فقدان رابطه بین آموزش و شغل این گونه نیست. مثلاً دانشجوی جامعه‌شناسی تربیت می‌کنند ولی نه جایگاه شغلی او را در نظر گرفته‌اند نه این که به جامعه‌شناسی اعتقاد و باور دارند. پس کاسی می‌کنند و از ارائه خدمات آموزشی پول دریافت می‌کنند. می‌گویند ما به دانشجوی خدمات آموزشی می‌دهیم و دانشجو هم پول به ما بدهد. این‌ها حتی به طور ناخواسته و غیرمستقیم مقوله‌ی مهاجرت سرمایه‌ی انسانی را هم پذیرفته‌اند. می‌گویند این دانشجو قرار است به زودی به خارج از کشور برود و آنجا ادامه تحصیل دهد.

قرار است آنجا شغل خوب و درآمد خوبی به دست آورد، ما که برای خودمان این‌ها را تربیت نمی‌کنیم، پس فعلاً در اینجاست که ما پول بدهد. دانشگاه‌ها ما سرمایه‌گذاری ملی ندارند، بلکه یک واحد تجاری هستند که کالایی را می‌فروشند. دانشگاه‌ها هم آموزش را می‌فروشند و در ازای آن پول دریافت می‌کنند و به همین دلیل به طور گسترده دانشجو تولید می‌کنند. خیلی از این دانشجویها بیکار می‌مانند و خیلی دیگر شغل متناسب با تحصیلاتشان را پیدا نمی‌کنند مثلاً راننده می‌شوند. تا وقتی که رابطه‌ی اشتغال و آموزش ایجاد نشود، وضعیت همین است.

وقتی نیروی متخصص تربیت می‌کنیم، نخست باید ببینیم می‌خواهیم در کجا از او استفاده کنیم. اگر در جایی به نیرو نیاز نداریم، نباید تربیت کنیم. هم همیشه اعتقاد داشته‌ام که باید به دانشجو از سطح لیسانس تا دکتری به ویژه آن‌ها که از خانواده مرفه نیستند کمک هزینه تعلق بگیرد؛ به شکل درآمد، کارت خرید کتاب، خوابگاه، بن رستوران دانشگاه و کمک هزینه رفت و آمد. باید ببینیم دانشجوی حرفه‌ای می‌خواهیم یا دانشجوی آماتور. دانشجوی آماتور در طول هفته دو سه ساعت می‌آید سر کلاس و بقیه ساعات را مشغول کار است. گرفتار خانواده و درآمد است. این دانشجو خودش هم ناراحت است که نمی‌تواند وقتش را در دانشگاه بگذراند. دانشجوی حرفه‌ای باید روزی چند ساعت در دانشگاه باشد، دفتر داشته باشد، در تعامل با استاد باشد و پول هم بگیرد. دانشجوی آماتور نمی‌تواند تأمین مخارج کند. همین باعث می‌شود که آموزش عالی سامان درستی نداشته باشد. دانشگاه باید تعداد محدودی دانشجو بگیرد و کمک هزینه و پول نیز به آن‌ها بدهد. شاید وقت آن رسیده باشد که به چنین اموری توجه بیشتری شود و برای یک زندگی علمی دانشجویی هزینه‌هایی پرداخت شود. هزینه‌هایی که جای دوری نمی‌رود.

تنها هر سه ماه یک بار یک وام می‌دهند. برای همین وام هم باید دو ضامن که کارمند رسمی هستند را برای دادن تعهد محضری ببریم. همچنین باید هر سه ماه یک بار هم پرینت انتخاب واحد را برای گرفتن وام به آن‌ها نشان دهیم. یعنی برای هر سه ماه دو میلیون و صد هزار تومان می‌ریختند. اما همین رقم هم الآن به یک میلیون و هشتصد هزار تومان کاهش یافته است. ما دانشجویان دکتری که بیکاریم این پول را برای امرار معاش می‌گیریم. امیدوی نداریم. یک وام دیگر هم به دانشجویان دکتری تعلق می‌گیرد که به آن وام ضروری می‌گویند. این وام فقط یک بار در کل دوران تحصیل به مبلغ سه میلیون تومان پرداخت می‌شود. شرایط این وام سخت‌تر است؛ باید غیر از دو نفر ضامن، یک فاکتور خرید لپ‌تاپ یا هر چیز دیگر را ببریم و بگوییم من این مقدار پول را خرج کردم تا مبلغ خرج شده را به عنوان وام پرداخت کنند. دانشجو به عنوان دانشجوی دکتری هیچ پولی نمی‌گیرد. هیچ وام بلاعوضی به دانشجو نمی‌دهند. این وام ماهی ۷۰۰ تومانی را هم باید پس بدهیم. پولی شدن دانشجو به ضرر دانشجو است. دانشجویانی که ششانه یا پردیس می‌خوانند، ۶۰ میلیون تومان برای تحصیل می‌دهند، وقتی که قرار است این دانشجویان بیکار باشند، چرا اقدام به پذیرش می‌کنند؟ پاسخ فقط می‌خواهند پول بگیرند



محمد امین قانع‌راد:

این‌ها حتی به طور ناخواسته و غیرمستقیم مقوله‌ی مهاجرت سرمایه‌ی انسانی را هم پذیرفته‌اند. می‌گویند این دانشجو قرار است به زودی به خارج از کشور برود و آنجا ادامه تحصیل دست آورد، ما که برای خودمان این‌ها را تربیت نمی‌کنیم، پس فعلاً در اینجا به ما پول بدهد.

و مدرک بدهند؟ دانشجویان دکتری شبانه و پردیس یا برای تحصیلاتش پول می‌دهند یا این که بورس شدند که در این صورت سه‌م یک دانشجو دیگر را بهای می‌کنند.»

کاسی با زندگی دانشجویان

به راستی اگر توانایی تأمین هزینه‌های این دانشجویان وجود ندارد، لزوم پذیرش تعداد بالای دانشجویان دکتری در دانشگاه‌های دولتی چیست؟ آیا جامعه به این تعداد فارغ‌التحصیل دکتری نیاز دارد؟ یا در پس پرده ماجرابی دیگر در جریان است؟ محمدامین قانع‌راد استادیار جامعه‌شناسی در توضیح این مسئله به آفتاب‌یزد می‌گوید: «ما باید دانشجویان را حمایت کنیم. وقتی به یک تخصص نیاز داریم، برای آن نیرو تربیت می‌کنیم. دانشجو نیرویی است که تربیت می‌کنیم. پس باید به لحاظ مالی دانشجویان را حمایت کنیم. پرداخت وجه به دانشجو یک سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری برای ساخت

دیگری نمی‌رود. همین کار کردن حین تحصیل دوره‌ی دکتری را طولانی می‌کند و دانشجو مجبور می‌شود برای تأخیر در فارغ‌التحصیلی جریبه سنوات پرداخت کند. وزیر علوم دو بار به علت عدم افزایش حقوق هیئت علمی‌ها به مجلس رفت ولی هیچ اشاره‌ای به دانشجویان دکتری نکرد.»

هفت‌خان دریافت وام

بسیاری از دانشجویان دکتری با این مشکل دست و پنجه نرم می‌کنند. اما علاقه‌ی آن‌ها به تحصیل علم و شاید هم تولید علم باعث شده که این سختی را به جان بخرند. به هر حال این که آن‌ها با چنین شرایطی تحصیل می‌کنند نشان از این ندارد که از این وضعیت راضی هستند و از آن رنج نمی‌برند. یکی از دانشجویان دکتری رشته‌ی تاریخ که در دوره‌ی روزانه‌ی دانشگاه دولتی درس می‌خواند در این باره به آفتاب‌یزد می‌گوید: «هیچ درآمدی به دانشجوی دکتری تعلق نمی‌گیرد.

کرمانشاه: فرصتی برای نیکوکاری

۲۰۱۵ نیز وضعیت شاخص کمک به افراد غریبه روند افزایشی داشته و دو شاخص دیگر وضعیت نسبتاً ثابتی داشته‌اند.

براساس گزارش سال ۲۰۱۷ که حاوی اطلاعات گردآوری‌شده‌ی ۱۳۹ کشور در سال ۲۰۱۶ است، میانگین شاخص نیکوکاری نسبت به سال قبل از آن [سال ۲۰۱۵] کاهش یافته و تعداد افراد کمک‌کننده در جهان نیز کمترین میزان طی سه سال اخیر بوده است. تنها قاره‌ی آفریقا در زمینه‌ی هر سه شاخص روندی افزایشی را تجربه کرده است. براساس این گزارش نسبت معناداری بین سطح ثروتمندی کشورها و میزان رفتارهای



طی یک ماه اخیر کدام فعالیت نیکوکارانه را انجام داده‌اند؟ براساس گزارش‌های این بنیاد، طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲، دو شاخص کمک‌های مالی به خیریه‌ها و فعالیت‌های داوطلبانه‌ی سازمانی روند کاهش و شاخص کمک به افراد غریبه روند افزایشی داشته است. از سال ۲۰۱۲ تا

گزارشک

نیکوکارانه وجود ندارد و از بین ۲۰ کشور ثروتمند جهان تنها شش کشور در فهرست ۲۰ کشور اول به لحاظ شاخص نیکوکاری حضور دارند. در سال ۲۰۱۶، کشور میانمار در صدر قرار گرفته و کشورهای اندونزی، کینیا، نیوزلند، آمریکا، استرالیا، کانادا، ایرلند، امارات، هلند و انگلستان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در سال ۲۰۱۶ ایران در رتبه‌ی ۱۷، و در منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا، بعد از امارات (رتبه‌ی ۹ فهرست) در جایگاه دوم قرار دارد. رتبه‌های بعدی ایران در شاخص‌های سه‌گانه‌ی کمک‌های مالی به نهاد‌های خیریه، فعالیت‌های داوطلبانه‌ی سازمانی، و کمک به افراد غریبه به‌ترتیب ۲۳، ۴۰، و ۲۷ بوده است. این مردم هستند که می‌توانند مدام و بی‌توقف نیکوکاری کنند. حمایت مردم از کرمانشاه فرزند زخم‌خوردی ایران ستودنی است.